

بررسی پدیده جهانی شدن

در عرصه آموزش و پرورش در عصر اطلاعات

دکتر معصومه مطلق^۱ - ندا جعفری گلنسایی^۲

چکیده

در طول تاریخ زندگی انسان ایجاد و شکوفایی تمدن‌های بشری بر اساس نیاز طبیعی جوامع در حال رشد بوده و افول و اضمحلال آنها نیز معمولاً تابع ضرورت همان رشد و تکامل بوده است. در دنیای امروز عقیده بر این است که باید تفکر جهانی داشت و به صورت محلی این تفکرات جهانی را پیاده کرد. این امر می‌تواند به معنای بومی‌سازی تفکرات و اندیشه‌های جهانی نیز تلقی شود. جهانی شدن همانند بسیاری از پدیده‌های جهان‌شمول در اغلب حوزه‌ها مورد توجه قرار گرفته است. یکی از حیطه‌هایی که جهانی شدن در آن به سرعت در حال پیاده شدن است، یادگیری و به طور اخص آموزش و پرورش است که به شناخت استعداد‌های بالقوه دانش‌آموزان و ارزیابی دقیق آمادگی آنان برای یادگیری و مسئولیت‌پذیری در جامعه می‌پردازد. مقاله حاضر در نظر دارد به بررسی پدیده‌های جهانی شدن در عرصه آموزش و پرورش در عصر اطلاعات بپردازد.

واژه‌های کلیدی

جهانی شدن، یادگیری، آموزش و پرورش و عصر اطلاعات.

مقدمه

یکی از اساسی‌ترین نیازهای بشر، دسترسی به اطلاعات است و تا زمانی که اطلاعات وجود نداشته باشند تأمین هیچ یک از نیازهای بشر میسر نیست. بشر امروز بیش از گذشته خود را نیازمند داشتن اطلاعات و برقراری ارتباط با جوامع دیگر برای کسب اطلاعات می‌داند. زندگی انسان به یادگیری وابسته است چرا که برای هر لحظه از زندگی رفتار خاصی لازم است و بدون آن پیشرفت و ادامه‌ی حیات ممکن نخواهد بود. یادگیری از عوامل بسیار مؤثر و ضروری در رشد و تکامل زندگی است. توانایی یادگیری به فرد امکان می‌دهد تا رفتار پیشین خود را تغییر داده یا تکامل بخشد. بدون یادگیری جامعه بشری تمدن خود را از دست خواهد داد.

یادگیری، اساس زندگی فردی و تشکیل‌دهنده زندگی اجتماعی است. بنابراین به نظر می‌رسد یادگیری فرایندی است که به صورت هدفمند سبب ایجاد تغییر در رفتار انسان می‌شود. پس از یادگیری، یادگیرنده قادر به انجام کاری است که تا پیش از آن توانایی انجامش را نداشت. یادگیری به معنای کسب اطلاعات و اندیشه‌های تازه است. عاداتهای مختلف، مهارت‌های متنوع، راه‌های گوناگون حل مسائل، مطالعه‌ی یک کتاب و... تجربیاتی محسوب می‌شود که ممکن است به یادگیری بینجامد (هیلگارد، 1371). بنابراین بشر به قصد یادگیری به کسب اطلاعات می‌پردازد زیرا به واسطه‌ی کسب اطلاعات است که میزان آگاهی وی افزایش می‌یابد و نکاتی را می‌آموزد که قبلاً از آنها آگاهی نداشت.

یادگیری از قرن‌ها پیش در زندگی انسان وجود داشته و هدف آن انتقال فرهنگ انسانی از نسلی به نسل دیگر بوده است. انسان معاصر چون با مسائل متعدد و گوناگونی مواجه است که موفقیت او در زندگی به حل شدن آنها بستگی دارد، لذا باید به سرعت بر مقدار اطلاعات و تجارب خود بیفزاید. پیدایش و گسترش سریع جهانی شدن باعث تغییر در چگونگی، چرایی و چیستی مکان و زمان یادگیری شده و

حتی فرد آموزش‌دهنده را نیز از تحول بی‌نصیب نگذاشته است. تحولات گسترده در عرصه نظام آموزش جهانی بر یادگیری و آموزش نیز اثر گذاشته است. کوهن معتقد است که مدل پیشرفت علم، تحول از یک پارادایم به پارادایم دیگر است و در هر حوزه فکری می‌توان پارادایمی را یافت. نظام آموزش جهانی پارادایم جدیدی است که سبب تغییر چهره جهان ما شده و امکان آموزش متناسب با نیازهای عصر حاضر را فراهم آورده است. آموزش جهانی را می‌توان به عنوان پارادایم جدیدی در حوزه آموزش و یادگیری در نظر گرفت به گونه‌ای که این شیوه آموزش امکان یادگیری را برای افراد بدون توجه به محدودیت‌های زمانی و مکانی به صورت مادام‌العمر فراهم آورده است.

بیان مسئله

جهانی شدن در معنای امروزی خود پدیده‌ای نسبتاً جدیدی است که به گونه‌های مختلفی تعریف و تفسیر شده است. گرچه مفهوم جهانی شدن به طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد اما یک تعریف واحد و مورد قبول همگان در مورد آن وجود ندارد. بنابراین برای آغاز بررسی، یک تعریف اولیه از آن مطرح می‌شود. «جهانی شدن به چندگانگی ارتباطات و پیوندهایی اشاره می‌کند که به فراسوی دولت‌ها یا جوامعی که نظام‌های جهان مدرن را تشکیل می‌دهند، می‌پردازد. این مفهوم جریان‌ها را تعریف می‌کند که از طریق آن رویدادها، تصمیمات و فعالیت‌های صورت گرفته در یک بخش از دنیا می‌توانند تأثیرات مهمی بر افراد و جوامع دورافتاده‌ترین بخش‌های جهان داشته باشند. امروزه کالاها، سرمایه، مردم، دانش، تصاویر، ارتباطات، جرایم، فرهنگ، آلاینده‌ها، داروها، مدها و اعتقادات به سهولت از مرزها و سرزمین‌ها می‌گذرند. شبکه‌های ترجمه‌ای، جنبش‌های اجتماعی و ارتباطات در تقریباً تمامی زمینه‌های فعالیت بشری از سطوح آکادمیک گرفته تا دبستان، کاملاً گسترش یافته‌اند.»

خواهان رفاه شهروندانش باشد، چاره‌ای ندارد جز اینکه که خود را با این جریان نیرومند، ضروری و مفید به حال کشورها و به حال جامعه بشری سازگار کند و با طیب خاطر و اراده‌ای آزاد به مقتضیات آن گردن نهد. جهانی شدن یک جریان است و نه یک مقصد و لذا ضروری است که جدایی بین جریان و نتیجه در نظر گرفته شود، زیرا جریان می‌تواند پیامدهای بسیار متنوعی داشته باشد.

اهداف تحقیق

امروزه آموزش و پرورش در جهان به حدی دگرگون شده که دیگر آموزش‌های تک‌بعدی و معلم‌محور در دوره کتاب و عصر چاپ، کاربرد چندانی در دنیای مدرن امروز ندارد و این قاعده شاید طبق نظر مانوئل کاستلز به دلیل جبر فناوری باشد. عصر حاضر، عصر بهره‌گیری از اطلاعات و فناوری اطلاعات در جهت یادگیری و آموزش است. جهانی شدن این امکان را برای ملل و جوامع فراهم آورده تا ارتباطات و حریم روابط آن، قابلیت تعریف مجدد بیابند. به این ترتیب آموزش و پرورش به عنوان یک حوزه بسیار حساس که با تربیت نسلی از جامعه سر و کار دارد، می‌تواند به باز تعریف اجزا و کارکرد خود بپردازد. لذا هدف این مقاله بررسی و نقش جهانی شدن در امر یادگیری و تأثیر آن در پذیرش جهانی‌سازی و بومی‌کردن تفکرات جهانی در راستای توسعه پایدار از طریق آموزش و پرورش می‌باشد زیرا توسعه صرفاً بر مبنای دانش‌مداری و دانایی‌محوری محقق می‌شود.

اهمیت و ضرورت مطالعاتی

1- آموزش جهانی، راهکارهای آزمایش شده‌ای را برای بهبود محیط یادگیری و غنی‌سازی یادگیری مطرح می‌کند. از این رو از ابزارهای یادگیری استفاده بهینه‌ای می‌شود و اهداف علمی، مهارتی، رفتاری و ارزشی به طور مؤثرتری شناخته می‌شوند.

یادگیری و ایجاد محیطی توأم با بازی و سرگرمی در کلاس، باعث تشویق دانش‌آموزان، تقویت انگیزه آنان و در نهایت حصول نتایج بهینه در یادگیری‌های شناختی و تأثیرگذار به لحاظ اجتماعی خواهد شد. آموزش جهانی بر استدلال تنش میان دو مقوله امنیت (آسایش) و مبارزه (چالش) استوار است. نظام آموزش جهانی ابزار مناسبی برای پرورش شخصیت، نبوغ و توانایی‌های ذهنی و جسمانی کودکان و رعایت حق کودک در مشارکت فعالانه در بازی و فعالیت‌های تفریحی است.

2- نظام آموزش جهانی به طور مستقیم و غیرمستقیم موضوع پایین بودن کیفیت تدریس را که با دست کم گرفتن استعداد دانش‌آموزان و راندمان وی همراه است، مطرح می‌کند. آموزش جهانی از طریق ارائه برنامه‌های توسعه حرفه‌ای امکان آشنایی معلمان با شیوه‌های یادگیری تعاملی و تجربی را فراهم می‌سازد به این نحو که نخست معلمان در مقام شرکت‌کننده در دوره‌های آموزشی حضور می‌یابند و بعد در مقام مجری و اشاعه‌دهنده، دوره‌هایی را برگزار می‌کنند. معلمان شرکت‌کننده در این طرح به کسب آگاهی در زمینه‌های زیر دست می‌یابند:

2-1- استنباط تازه‌ای از نقش خویش؛

2-2- شناخت استعداد‌های بالقوه دانش‌آموزان و ارزیابی دقیق آمادگی آنان برای

یادگیری و مسئولیت‌پذیری؛

2-3- شناخت یادگیری به‌عنوان فرایندی آنگیزش و لذت‌بخش؛

2-4- ایمان راسخ به اهمیت حرفه‌ی خویش.

3- نظام جهانی ارائه‌کننده الگوها، چارچوب‌ها، دستورها و راهکارهای لازم برای تجدید نظر و اصلاح برنامه تحصیلی در سطوح و دوره‌های متفاوت است. یکی از شیوه‌های موفق این برنامه، تلفیق برنامه درس محور مرسوم با موضوعات نظام جهانی (از قبیل محیط زیست، آموزش عالی، بهداشت، صلح و حقوق بشر) است.

3- گوناگونی تدریس و یادگیری در شیوه آموزش جهانی وسیله مهمی برای

دانش‌آموزان روش یادگیری خاصی را ترجیح می‌دهند. به عبارت دیگر هر شیوه یادگیری برای بعضی آسان و مطلوب، برای بسیاری به نسبت رضایت‌بخش و برای بقیه نامطلوب است. مشکل اساسی روش تدریس سنتی آن است که برای عده‌ای مثر و ثمر و برای عده‌ای مخرب است. در صورت کاربرد مستمر، بی‌حساب و یکنواخت روش‌های سنتی انتقالی، عده‌ای بسیار، فرصت پیشرفت در یادگیری را نخواهند یافت. حال چنانچه روش‌های تدریس و یادگیری فاقد تنوع کافی باشند هرگز فرصت تحقق آرمان آموزش و یادگیری برای همه میسر نخواهد شد. در یک شیوه تک‌روشی که ویژگی‌ها، علایق، قابلیت‌ها و نیازهای منحصر به فرد افراد در نظر گرفته نشود، تحقق اصل بهره‌مندی هر کودک از تعلیم و تربیت مخدوش خواهد شد. این مهمترین علت کاربرد روش‌های یادگیری گوناگون و متنوع از سوی مجریان و مربیان آموزش جهانی به شمار می‌رود.

پیشینه نظری

موضوعی که اخیراً توجه بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران را به خود جلب کرده موضوعی است که به نام «جهانی شدن» کلمات **Universalization**, **Internationalism**, **Universalism**, **Globalism** (بین‌المللی شدن) همگی با کلمه‌ی **Globalization** هم‌خانواده هستند و نویسندگان بسیاری، بسته به معنای ذهنی مورد استفاده، معمولاً از این عبارات معادل، به جای **Globalization** استفاده می‌کنند. ذکر این نکته نیز ضروری است که بسیاری بر این عقیده‌اند در زبان فارسی استفاده از اصطلاحات «کروی شدن» و «سیاره‌ای شدن» به جای جهانی شدن به هیچ وجه نمی‌تواند مبین مفهوم **Globalization** باشد. واژه **Globalization** را گاهی به معنای «جهانی شدن» و زمانی به معنای «جهانی‌سازی» ترجمه می‌کنند. با نگرشی سطحی ممکن است این دو اصطلاح مترادف به نظر آیند، اما این دو ترجمه به لحاظ

از تأثیر جهانی سازی بر حوزه های موضوعی و تخصصی در رشته های متفاوت به تناوب سخن رفته است. یکی از حوزه هایی که بحث جهانی شدن در آن بسیار مهم و در عین حال حساس محسوب می شود آموزش و پرورش است. سیر تحولات طبیعی و ناگزیر سیاسی، اجتماعی، و خصوصاً فناورانه در سطح جهان که از سال ها پیش به وقوع پیوسته فضای جدیدی را بین ملل مختلف پدید آورده که به هر چه نزدیک تر شدن ملت ها و به تبع آن دولت ها منجر شده است. آثار و نتایج سلسله حوادث خارج از اراده دولت های بعد از جنگ دوم جهانی باعث توجه ویژه دنیا به فقر عمومی، محیط زیست در سطح جهانی و مهاجرت نخبگان شده است. از سوی دیگر رشد سریع فناوری اطلاع رسانی و شکل گیری جهان مجازی و تأثیرات شگرف آن مرزهای سنتی را درنوردیده است و می رود تا دنیای جدیدی را رقم بزند. ماحصل این اتفاقات، تدبیر و مدیریتی را باعث شده که فرادولتی است. این تدبیر جهانی خواه یا ناخواه تبعات خود را بر ملت ها و دولت ها تحمیل می کند و سرانجام آن شکل گیری تمدنی واحد و جهانی است. جهانی شدن به عنوان یک فرایند در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، آموزشی و فناورانه در زندگی امروز بشری تأثیر به سزایی گذاشته و آن را تحت الشعاع خود قرار داده است. آموزش و پرورش نیز در این جریان ضمن تأثیرگذاری بر آن از طریق تربیت و آموزش شهروندان جهانی با ویژگی ها و خصلت های عام، خود نیز متأثر از این پدیده بوده است. به طوری که امروزه به جرأت می توان گفت که آموزش صرفاً به روش سنتی و بدون توجه به فناوری های آموزشی امروزی بس دشوار خواهد بود.

چارچوب نظری تحقیق

جرج هربرت مید: شخصیت اجتماعی فرد به خاطر ایفای نقش های اجتماعی تکوین می یابد. کودک به تدریج زبان را فرا می گیرد و به وسیله تمریناتی که در

چنین روندی "من" فاعلی فرد به نفع "من" مفعولی یا کلی او تضعیف می‌گردد. انواع بازی به کسب این مهارتها و شکل گرفتن رفتار اندیشمندانه کمک فراوان می‌کند. به نظر مید وظیفه اصلی بازی نزد کودک ایفای نقش و تکوین شخصیت اجتماعی و تمرین آزاد در مناسبات و روابط گروهی است. (توسلی، 1383: 310)

کارل مانهایم: ایشان به عنوان یک جامعه‌شناس به قلمرو آموزش و پرورش قدم گذاشت و آن را یکی از عناصر پویا در جامعه‌شناسی تشخیص داد. به زعم او آموزش و پرورش فی‌نفسه یک تکنیک اجتماعی و وسیله‌ای برای کنترل اجتماعی است. یا به عبارت دیگر آموزش و پرورش صرفاً وسیله‌ای برای تحقق آرمان‌های اجتماعی و فرهنگی نظیر تخصص‌گرایی و انسان‌گرایی نیست بلکه بخشی از فراگرد تأثیر و نفوذ در انسان است. فهم فراگرد آموزش و پرورش هنگامی به خوبی سیر می‌شود که بدانیم افراد برای چه جامعه‌ای و برای چه منصب، موقعیت اجتماعی و وضعیتی تربیت می‌شوند، آموزش و پرورش امری نیست که در خلاء صورت گیرد از این رو ابتدا باید به شناخت جامعه و تشخیص و طبقه‌بندی نارسایی‌های آن پرداخت تا بتوان آموزش و پرورشی در خور جامعه‌ای نو و بهتر طراحی و برنامه‌ریزی کرد. به زعم مانهایم، نگرش جامعه‌شناختی به مسائل آموزش و پرورش در نهایت می‌تواند از لحاظ تعیین هدف‌ها، روش‌ها و محتوی آن تأثیری مثبت داشته و در نوسازی جامعه مددکار باشد. نوسازی جامعه، حفظ آزادی و تقویت شیوه زندگی دموکراتیک مستلزم برنامه‌ریزی آگاهانه است که براساس واقعیت‌های موجود جامعه با نگرش جامعه‌شناختی صورت می‌گیرد. آموزش و پرورش از دیدگاه مانهایم استفاده آگاهانه از نیروها و نهادهای اجتماعی به منظور تربیت شخصیت‌های آزادمنشی است که با نیل به اجماع و توافق، یگانگی و انسجام اجتماعی را تضمین می‌کند.

امانوئل والرشتین: نظریه نظام جهانی نخستین بار توسط امانوئل والرشتین مطرح

گردید که به‌عنوان پیشرفته‌ترین کوشش برای تبیین الگوهای نابرابری جهانی محسوب

گردیده که عبارتست از: یک سلسله ارتباطات سیاسی، اقتصادی و آموزشی که در سراسر جهان گسترش یافته و مبتنی بر توسعه یک نظام جهانی است. مفهوم جهانی شدن از چنان پیچیدگی‌هایی برخوردار است که شاید نتوان تعریف مشخص و دقیقی از آن ارائه داد. آراء اندیشه‌ها و نظریه‌های جامعه‌شناسان را در باب جهانی شدن می‌توان در سه بخش دسته‌بندی و بررسی کرد: بخش اول نظریاتی است که در غالب نظریه‌های معطوف به سازوکارها و تحولات کلان اجتماعی به موضوع پرداخته‌است (کنت، دورکیم، وبر و مارکس). بخش دوم نظریاتی است که در تلاش برای فهم جامعه‌ای در حال شکل‌گیری یا نظام جهانی به صورتی پراکنده از جهانی شدن سخن می‌گوید (پارسنز، کر، داتلپ، هاربیسن، لوهمان، والرشتین، گیلپین و مک لوهان). بخش سوم نظریات نظریه‌پردازان متأخر است که فرایند پرشتاب و گسترده جهانی شدن را در دهه‌های گذشته تجزیه و تحلیل می‌کنند و نظریه‌های جامع‌تر و دقیق‌تری درباره این موضوع به‌نظر می‌رسند (هاروی، گیدنز، رابرتسن و واترز). نکته جالب توجه این که در اغلب نظریه‌ها و تعاریف ارائه شده، جهانی شدن فرآیندی تدریجی و پایدار توصیف می‌شود که از گذشته دور یا نزدیک آغاز شده و هنوز ادامه دارد با این ویژگی که هرچه بر عمر آن افزوده می‌شود، شتاب و گستره آن بسیار افزایش می‌یابد. جهانی شدن حاصل بر هم خوردن نظم سنتی فضا و زمان است که به واسطه جدایی فضا و زمان از مکان پدید می‌آید. این فضا و زمان جدا شده از مکان، در گستره‌ای نامتناهی با یکدیگر ترکیب و هماهنگ شده و امکان کنش و روابط اجتماعی را در جامعه‌ای بسیار بزرگتر فراهم می‌کند. پس گستره تأثیرگذاری و تأثیرپذیری اجتماعی هم بسیار فراخ‌تر می‌شود و نتیجتاً جامعه‌ای جهانی شکل می‌گیرد که معطوف به انواع پیوند و رابطه فرد با آن جامعه جهانی است. (گیدنز، آنتونی 1387)

در ادامه نظریات فوق در قالب جدول شماره (1) تحت عنوان چارچوب نظری

تحقیق به تصویر کشیده شده است:

سؤالات تحقیق

- 1- چرا آموزش و پرورش جهانی شدن را به عنوان یک ضرورت مورد توجه قرار داده است؟
- 2- چگونه می‌توان جامعه را با اهداف نظام جهانی همسو کرد؟
- 3- چگونه می‌توان با بومی‌سازی تفکرات جهانی از پیامدهای مثبت آن در امر آموزش و پرورش استفاده کرد؟

فرضیات

- 1- به نظر می‌رسد بین جهانی‌شدن و شناخت استعدادهای بالقوه دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
- 2- به نظر می‌رسد بین جهانی‌شدن و بومی‌کردن تفکرات جهانی در راستای توسعه پایدار رابطه وجود دارد.

جدول شماره (1): چارچوب نظری تحقیق برگرفته از نظریات جرج هربرت مید، کارل مانهایم و امانوئل والرشتین

نظریه پرداز	عنوان نظریه	چکیده نظریه
جرج هربرت مید	کنش متقابل نمادی	به نظر مید وظیفه اصلی بازی نزد کودک، ایفای نقش و تکوین شخصیت اجتماعی و تمرین آزاد در مناسبات و روابط گروهی است.
کارل مانهایم	مارکسیسم	آموزش و پرورش از دیدگاه مانهایم استفاده آگاهانه از نیروها و نهادهای اجتماعی به منظور تربیت شخصیت‌های آزادمنشی است

انسجام اجتماعی را تضمین می‌کند.		
کوشش برای تبیین الگوهای نابرابری جهانی است.	نظام جهانی	امانوئل والرشتین

تجزیه و تحلیل

هر جامعه‌ای دستخوش تغییر و دگرگونی است. در غالب جوامع، تغییر با پیشرفت مرتبط تلقی می‌شود و از آموزش و پرورش انتظار می‌رود که جامعه را در نیل به پیشرفت یاری رساند، میراث فرهنگی را تغییر داده آن را حفظ و به نسل بعد منتقل نماید. جامعه سنتی گرایش به گذشته دارد و در حفظ میراث فرهنگی پافشاری می‌کند. در مقابل جامعه پیشرفته به تغییر ارزش‌ها و میراث فرهنگی و انطباق آنها با نیازها و ضروریات اجتماعی جدید توجه دارد. روش‌ها و وسایل جدیدی برای انجام کار و تولید اجتماعی جست‌وجو و ابداع می‌شوند. در این جوامع مؤسسات آموزشی آگاهانه در صدد نوآوری و ایجاد نظام آموزش جهانی و تسریع در تغییر می‌باشند. مفهوم پیشرفت این باور را تقویت می‌کند که تغییر و ترقی با هم مرتبطند و این انتظار را به وجود می‌آورد که نظام آموزشی باید در طلب و جست‌وجوی تغییر و ایجاد آن باشد. شواهد نشان می‌دهد که این تغییرات بیشتر در قلمرو زندگی مادی و تولید (فرهنگ مادی) به وقوع پیوسته است.

با توجه به کارکرد نوآوری در آموزش و پرورش، به جرأت می‌توان گفت حتی یک مدرسه مقید به سنت‌ها نیز منبع نوآوری به شمار می‌رود. زیرا مربی یا معلمی که در آنجا اشتغال دارد احتمالاً دانش، کارشناسی و خرد خود را در وضعیت‌های جدیدی

درمی‌آید و از مراکز آموزش و یادگیری انتظار می‌رود که افکار و فنون تازه‌ای را در جامعه اشاعه دهند. تأکید بر جنبه نوآوری در نظام‌های آموزش جهانی، آموزش و پژوهش را از هم متمایز ساخته و در نتیجه مؤسساتی را صرفاً به منظور پژوهش و کشف روزافزون واقعیات علمی و اجتماعی پدیدمی‌آورد که دستاوردهای تحقیقاتی آنان اثرات سریعی در ایجاد دگرگونی و ظهور نوآوری‌ها به جا گذاشته است. چون تغییر و نوآوری مخصوصاً در جوامع پیشرفته امروزی امری اجتناب‌ناپذیر است، از این رو آموزش و پرورش وظایفی بیشتر از صرفاً انتقال فرهنگ و معارف گذشته برای جامعه انجام می‌دهد، افزون بر معارف گذشته کمک به گزینش و انتخاب آنچه که باید محفوظ نگه داشته شود و ارزشیابی انتقادی سنت‌ها از کارکردهای آموزش و پرورش است.

شیوه‌های یادگیری موردنظر نظام آموزش جهانی گسترده و هدف آن، اشاعه یادگیری مستمر مادام‌العمر است. دانش‌آموز باید چگونه یاد گرفتن را بیاموزد. آموزش جهانی با تأکید بر یادگیری به‌عنوان جریان "خود هدایتی" و نیز احترام به تجربیات و دیدگاه‌های شخصی دانش‌آموزان در کلاس، اساس یادگیری مادام‌العمر را پایه‌ریزی می‌کند. (اسماعیلی، 1384)

آموزش جهانی با ترویج و دگرگونی، آموزشی فراتر از مرز کلاس و چارچوب برنامه‌ی تحصیلی ارائه می‌دهد. اصلاح و غنی‌سازی نظام آموزش پایه صرفاً در کلاس تحقق نمی‌یابد بلکه در کل مدرسه و جامعه نیز دیده می‌شود. این امر که والدین غالباً ارزش آموزش کودکان خود را درک نمی‌کنند شاید به این دلیل باشد که تجربه‌های دوران تحصیل خودشان چندان رضایت‌بخش نبوده است. آموزش جهانی در ارتباط با فرایندهای دگرگونی کامل مدارس، تقویت مشارکت‌های همه‌جانبه در نظام آموزشی و مشارکت میان جامعه و مدرسه، تجربیات و تخصص‌های قابل ملاحظه‌ای اندوخته است.

نحوه ارزیابی فرایندهای تغییر در قالب نظام آموزش جهانی تدوین شده که این موضوع با توجه به تأکید بر لزوم ارزیابی عملکرد هریک از دانش‌آموزان، اثربخشی ارائه آموزش پایه و برآوردن نیازهای پایه دارای اهمیت مضاعفی است. ابزارهای کاربردی مریمان آموزش جهانی برای ارزیابی، ماهیت کیفی دارد ولی از شیوه‌های کمی نیز استفاده می‌شود. در طول اجرای پروژه آموزش جهانی، دامنه متنوعی از ابزارهای بازخورد و ارزیابی به کار گرفته شده است.

در دنیای امروز، زمان با هزینه برابری می‌کند و هرچه زمان بیشتری صرف شود گویی هزینه‌هایی است که مصرف شده است. حال این مصرف زمان، هم می‌تواند مثبت و دارای بازدهی مفید باشد و هم می‌تواند اتلاف هزینه را در بر داشته باشد. در هر صورت باید در نظر داشت، جهانی شدن که در مقابل جامعه‌ی جهانی قرار دارد، این فرصت را برای همگان فراهم کرده تا بتوانند در این عرصه خودنمایی کنند. باید در نظر داشت که در حیطه بومی‌سازی تفکرات جهانی و همپای جهانی رشد کردن هم فرصت‌هایی وجود دارد و هم تهدیدهایی لذا باید تمامی ابزارها و امکانات لازم را در این راه دشوار به خدمت گرفت و از آنها در جهت هم‌آگاهی با نظام جهانی نه در معنای زیر بار آن رفتن، بلکه بومی‌سازی تفکرات جهانی سود جست.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

مهم‌ترین تغییر و دگرگونی در فرایند جهانی شدن وظیفه معلمان است و به تنوع محمل‌های اطلاعاتی مربوط می‌شود به‌علاوه انتظار می‌رود که ابزارهای ارتباطی فراتر از کتاب‌های درسی باشند. باید در نظر داشت که در فرایند جهانی‌سازی ممکن است همراه تغییر جهان‌بینی، فرهنگ‌ها و اعتقادات گوناگون انسان، اهداف آموزش و پرورش نیز تغییر کند لذا باید مراقب بود که در این راه به ارزش‌ها و فرهنگ اصیل جامعه لطمه‌ای وارد نشود.

پذیرش جهانی‌سازی به خصوص در عرصه آموزش و پرورش، مستلزم حضور فعال و مشارکت مبتنی بر منافع و مصالح ملی است. با بهره‌گیری از اندیشه جمعی و پای‌بندی همگانی به پاسداری از منابع جامعه، موجبات این مشارکت باید به گونه‌ای فراهم آید که از شتاب‌زدگی‌های غیرقابل توجیه و اقدامات غیرکارشناسانه پرهیز شود و قابلیت‌ها نیز از قوه به فعل درآیند. باید ظرفیت‌های جامعه و به‌خصوص بخش آموزش و پرورش برای پذیرش جهانی‌سازی و بومی‌کردن تفکرات جهانی در راستای توسعه پایدار شناسایی و سنجیده شوند. باید زیرساخت‌های مناسب فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی مورد نیاز این کار در جامعه تدارک دیده شود. معلمان باید استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی را به عنوان ابزار دسترسی به اطلاعات و آموزش در حوزه آموزش و پرورش با در نظر گرفتن جنبه‌های مخصوص آموزشی، در اولویت قرار دهند. در این راه باید به تعیین راهبردهای کلان پرداخت و به مدیریت تغییر توجه داشت. باید در نظر گرفت، تغییر، فرایندی است که صورت خواهد گرفت و پیش از آن که مجبور شویم به تغییر تن دهیم، باید خود را با شرایط و مقتضیات آن سازگار و تغییرات را نهادینه و بومی‌سازی کنیم. باید از ابزارهای نوین آموزشی و ارتباطی در مسیر توسعه پایدار بهره جوییم زیرا توسعه بر مبنای دانش‌مداری و دانایی‌محوری، محقق می‌شود.

فهرست منابع

- 1) اسماعیلی، غلامرضا، 1384 «جهانی شدن یا جهانی سازی»، تدبیر، سال شانزدهم، شماره 55، قابل دسترسی در فایل <http://www.imi.ir/tadbir/tadbir-> 155.
- 2) شعاری‌نژاد، علی‌اکبر، 1349 روان‌شناسی یادگیری: کاربرد روان‌شناسی در تربیت، تهران.

- (3) شعبانی، احمد، 1389 «جهانی شدن و دنیای اطلاعات» علوم اطلاع‌رسانی (20)، بهار و تابستان 1389.
- (4) علاقه‌بند، علی، 1370 «جامعه‌شناسی آموزش و پرورش». .
- (5) کوزر، لیوئیس، 1387 «جامعه‌شناسی»، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ چهاردهم.
- (6) گیدنز، آنتونی، 1387 «جامعه‌شناسی»، ترجمه منوچهر صبوری.
- (7) هیلگارد، ارنست و باور، گوردن، 1371 «نظریه‌های یادگیری»، ترجمه محمدنقی براهنی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.